



دوستی و معیت اهل بیت الردیدگاه علم حقیقی

ضرورت دوستی خاندان رسالت

عشق به اهل بیت علیهم السلام زمینه ساز عشق به خداوند است و دوست داشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مهر ورزیدن به ارزش های والای الهی می باشد. رسیدن به قلّه رفیع کمالات معنوی و انسانی بدون دوستی اولیاء الهی ممکن نیست و پذیرش اعمال و زحمات یک مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام می باشد. امام علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند:

«لَا تَزُولُ قَدَمَا عِنْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى

سُئِلَ عَنْ أَزْوَاجِهِ... وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛^۱

در روز قیامت هیچ بنده ای قدم بر نمی دارد مگر اینکه از چهار چیز سؤال می شود ... [که چهارمین سؤال از دوستی ما اهل بیت خواهد بود.]
براین اساس تقرب به خداوند و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت با عشق و دوستی آل پیامبر صلی الله علیه و آله عجین شده است.

مولوی می گوید:

هر که خواهد همنشین با خدا

اونشیند در کنار اولیاء

مهرورزی به دیگران یک نیاز

فطری است، اما چه زیباست که انسان در بذل محبت، خوبان و برترین‌ها را برگزیند و اهل بیت علیهم السلام مظهر خوبی‌ها و کمالاتند، چنانکه علی علیه السلام فرمود:

«هیچ کس را در کمالات و صفات زیبای انسانی با آل محمد علیهم السلام نمی‌شود مقایسه کرد، دیگران که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند، هیچ‌گاه با آنان برابر نخواهند بود.»

عواطف پاک و اظهار عشق و علاقه نسبت به معصومین علیهم السلام و خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ثبات قدم در راه دین و دینداری است و عشق و محبت خالصانه به اهل بیت علیهم السلام انسان را در برابر گناه و فساد بیمه می‌کند.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد

بهترین نوع ارتباط با پیشوایان معصوم علیهم السلام همان محبت و مودت می‌باشد که یک رابطه قلبی و درونی است و خداوند متعال هم در قرآن کریم به چنین ارتباطی دعوت کرده و می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛^۲ «بگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی و محبت دربارهٔ نزدیکانم.»

در زیارت امین الله نیز می‌خوانیم: «خداوندا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده‌ات قرار ده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان.»^۳

هر قدر محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی با ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر باشد، تبعیت و هم‌رنگی و همراهی و همدلی با آن‌ها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری و همراهی و هم‌سوئی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود نه یک اطاعت رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان «شناخت»، «عشق» و «پیروی» رابطه‌ای مستحکم به وجود می‌آید، زیرا معرفت محبت می‌آورد و محبت «ولایت و تبعیت»^۴

عشق به اهل بیت علیهم السلام در دیدگاه علی علیه السلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آن حضرت در فرصت‌های مختلف، درجات، زمینه‌ها، نشانه‌ها، آثار و برکات، آفات و موانع و بالاخره شیوه‌های ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام

کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود.»

زمینه‌های عشق به اهل بیت علیهم‌السلام

پیوند دادن نوزادان با خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عجین کردن وجود آنان با عوام عشق اهل بیت علیهم‌السلام و هموار کردن زمینه، این محبت، تاثیر زیادی در شکل‌گیری وجود آنان داشته و آنان را در زندگی آینده خویش با آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرتبط ساخته و از دل‌دادگان آن خاندان خواهد ساخت. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَمَا إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ لَنَوْ حَنْكُوا أَوْلَادَهُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ لَكَأَنَّهُمْ شَيْعَةٌ لَنَا؛ بدانید که اگر مردم کوفه، کام نوزادان خویش را با آب فرات برداشته بودند، آن‌ها شیعه ما می‌شدند.»

بسندهی است که آب فرات خصوصیتی برای مردم کوفه ندارد و تمام اهل عالم را شامل می‌شود چنانکه

را بیان فرموده است. در این جا به طور فشرده به گزیده‌های از آن گفتارها می‌پردازیم.

درجات دوستی

عشق ورزیدن به معشوق، بستگی به میزان شناخت عاشق از کمالات و زیبایی‌های او دارد و هر کس براساس معرفت خویش به محبوب ارادت می‌ورزد. اگر آشنایی ضعیفی داشته باشد بی‌تردید رابطه قلبی او هم در درجات پایین خواهد بود و هر قدر معرفت او به کمالات و فضائل محبوب خود بیشتر باشد ارادت قلبی، عشق و علاقه و در نتیجه خضوع و خشوع و تسلیم در برابر محبوب بیشتر و ریشه‌دارتر خواهد بود و ثمره متقابل این محبت نیز به نسبت عشق و علاقه و خضوع و تسلیم است.

امام علی علیه‌السلام در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل بیت علیهم‌السلام و نتیجه آن می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَاتَلَ مَعَنَا بِبَدَنِهِ فَهَوَّ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا، وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهَوَّ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ وَ مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَ لَمْ يُعِينَا بِلِسَانِهِ وَ لَا يَبِدِّهِ فَهَوَّ فِي الْجَنَّةِ؛^۵ هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری

امام صادق علیه السلام فرمود: «من گمان نمی‌کنم کام نوزادی را با آب فرات برداشته باشند ولی او عاشق ما اهل بیت نباشد.»^۷

البته راه‌های مختلفی برای زمینه‌سازی دوستی اهل بیت علیهم السلام در سیره و سخن معصومین علیهم السلام و به ویژه مولای متقیان وجود دارد که مجال مفصل‌تری می‌طلبد، همچون نامگذاری کودک با نام‌های اهل بیت علیهم السلام، بردن به زیارت و مجالس آن بزرگواران، دقت در غذای کودکان، ذکر فضائل و آشنایی فرزندان با مقام اهل بیت علیهم السلام، ارتباط دادن خاطرات خوش زندگی با خاندان رسالت صلوات الله علیهم و سایر مواردی که می‌توانیم به وسیله آن‌ها خود و فرزندانمان را در مسیر ارادتمندان آل پیامبر و شیفتگان حضرات معصومین علیهم السلام قرار دهیم.

نشانه‌های محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام

علاقه به یک چیزی و محبت داشتن به آن، علائم و نشانه‌هایی دارد و بدون آن انسان نمی‌تواند به حقیقت ادعای دوستی کسی پی ببرد و حتی گاهی ممکن است انسان در حقیقی بودن ادعای دوستی، دچار تردید و

اشتباه شود.

برخی از این نشانه‌ها با توجه به سخنان امام علی علیه السلام عبارتند از:

۱- محبت توأم با عمل و تقوا

دوست داشتن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تقوای الهی و دلی پاک می‌خواهد. شیدای اهل بیت علیهم السلام باید دوستی خویش را در عمل نشان دهد وگرنه علاقه ظاهری نمی‌تواند چندان تأثیری در زندگی انسان داشته باشد.

علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا وَ لِيَتَجَلَّبِبِ الْوَرَعَ»^۸ هر که ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزگاری را جامه و پوشش خود قرار دهد.»

ورع و تقوی و دوری از گناه باید سرلوحه زندگی محبان اهل بیت علیهم السلام باشد تا بتوانند عشق پاکان را در دل خود جای دهند و گرنه دلی پر از شوق گناه را چطور می‌توان جایگاه و ظرف محبت اولیاء الهی قرار داد. شیفتگان اهل بیت علیهم السلام باید همیشه چنین زمزمه کنند:

دل جایگاه عشق تو باشد نه غیر تو

این خانه خداست به شیطان نمی‌دهم

۲- عشق به دوستان اهل بیت علیهم السلام

کسی که آل پیامبر صلوات الله علیهم را دوست

خلوت دل نیست جای صحبت اغیار
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
در زیارت جامعه کبیره می گوئیم:
«فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ...» ای
اهل بیت پیامبر ﷺ! من با شما هستم،
با شما هستم، نه با دشمن شما...»^{۱۱}

و در حدیث دیگری امیر مؤمنان
ﷺ فرمود: «مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ أَحَبَّ النَّبِيَّ وَمَنْ
أَحَبَّ النَّبِيَّ أَحَبَّنَا وَمَنْ أَحَبَّنَا أَحَبَّ شِيعَتَنَا»^{۱۲}
هر کس خداوند را دوست دارد
پیامبرش را دوست خواهد داشت، و
هر کس پیامبر ﷺ را دوست بدارد ما
را دوست خواهد داشت و هر کس ما را
دوست بدارد شیعیان ما را دوست
می دارد.»

۳- کتمان محبت در نزد نامحرمان
بعضی افراد نه تنها قابلیت و
استعداد محبت اهل بیت ﷺ را ندارند
بلکه طاقت تحمل شنیدن مدح و ثنای
آل پیامبر ﷺ را نیز ندارند. این خفاش
صفتان که از دیدن نور حقیقت کورند
از آن جا که از شنیدن فضایل و مناقب
اهل بیت ﷺ گریزانند، از روی کینه و
حسد موجب آزار و اذیت دوستان اهل
بیت ﷺ می شوند و زمینه تحقیر آنان
را فراهم می سازند.
گرچه باید گفت:

داشته باشد لزوماً دوستان آنان را هم
باید دوست بدارد. و این یکی دیگر از
نشانه های شیفتگان اهل بیت ﷺ
است. امیر مؤمنان ﷺ در این رابطه
می فرماید:

«هر کس می خواهد بداند که آیا
عاشق حقیقی اهل بیت ﷺ است یا نه،
به قلب خویش رجوع نماید، اگر در
دلش محبت دوستان ما هست پس او
دشمن ما نیست؛ دوست ماست، ولی
اگر یکی از دوستان ما را در دلش
دشمن می دارد، او دوستدار حقیقی ما
نیست.»^۹

همچنین روزی شخصی به
حضور علی ﷺ آمده و عرضه داشت:
یا امیرالمؤمنین! من تو را دوست
می دارم و به فلانی هم علاقمندم. و در
آن حال نام یکی از دشمنان آن حضرت
را برد. حضرت به او فرمود: «یا کور
باش یا بینا.»^{۱۰}

ولایت و محبت ائمه
معصومین ﷺ را نمی شود با
دوستی های دیگر مخلوط نمود؛ یعنی
هم دل در گرو عشق آنان نهاد و هم
دل بسته مخالفان آنها شد، و به عبارتی
دیگر با یک دل نمی توان دو دلبر
داشت.

شبیبه گر وصل آفتاب نخواهد

رونق بازار آفتاب نگاهد
امیر مؤمنان علیه السلام از ابراز محبت در
نزد چنین افرادی منع کرده و فرمودند:
«ما را در پیش دشمنانمان مدح نکنید و
در نزد نااهلان به ما اظهار علاقه
ننمایید، زیرا آنان این عشق مقدس شما
را بر نمی تابند و موجب تحقیر و اذیت
شما می شوند.»^{۱۳}

است. عاشق صادق هرگز از رنج و
بلای در راه دوست نمی ترسد بلکه با
شوق و رغبت به استقبال آن می شتابد.
امام علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ تَوَلَّانا
فَلْيُبْسِ لِلْمَحْنِ اِهَابًا؛^{۱۴} هر کس ما اهل
بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست بدارد باید
برای محنتها پوستی دیگر بپوشد.»
کنایه از اینکه آماده انواع بلاها و
مشکلات باشد.

۲- آمادگی برای محرومیت‌ها

ولایت اهل بیت و دل‌باختگی به
این خاندان بدون آمادگی برای رنج و
محنت‌ها و با گریختن از انواع
محرومیت‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود،
زیرا:

نازیرورده تنعم نبرد راه بدوست

عاشقی شیوه زندان بلاکش باشد
حقیقی بودن علاقه درونی
شخص، هنگامی نمایان می شود که فرد
مورد امتحان قرار گیرد و حوادثی تلخ
و ناراحت‌کننده در زندگی انسان رخ
نماید، آن‌گاه است که دوستان حقیقی
از دوستان مجازی جدا می‌گردند و
گرنه در هنگام راحتی و آسایش هر
کسی می‌تواند ادعای دوستی اهل بیت
علیهم السلام را داشته باشد. آری راه عشق،
راهی بس دشوار و رنج‌آور و بلاخیز

هر که در این بزم مقربتر است

جام بلا بیشترش می‌دهند
جان‌نثاری و فداکاری با تمام
وجود از علامت‌های عشاق حقیقی
اهل بیت علیهم السلام است و آنان رنج‌ها و
بلاهایی در طریق عشق به
اهل بیت علیهم السلام با کمال میل، همچون
لذت‌بخش‌ترین جرعه‌ها سر می‌کشند.
عاشق صادق برای اینکه با
معشوق خود همنشین شود باید هستی
خویش را در اختیار محبوب بگذارد و
خود را از تمام محبت‌ها و تعلقات
دیگر رها سازد. به گفته حافظ:

بحری است بحر عشق که هیچ‌ش کناره نیست
آنجا جز آنکه جان بسپارند، چاره نیست
باید در راه ولایت و محبت اهل
بیت سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل کرد و
دم بر نیورد و باید خون دل خورد و

خالص و بی‌آلایش سازد و در سخنان معصومین علیهم‌السلام فراوان دیده می‌شود که فرموده‌اند:

«دروغ می‌گویند کسی که ادعای محبت ما خاندان را می‌کند ولی از دشمنان ما برائت نمی‌جوید.»^{۱۷}

عاشق اهل بیت علیهم‌السلام هیچ‌گاه در کنار تولی، تبری را فراموش نمی‌کند و اساساً بدون تبری از دشمنان، مودت و محبت معنی ندارد.

کفر و ایمان قرین یکدیگرند

هر که را کفر نیست، ایمان نیست
امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در سخنی زیسبا به این نشانه‌ی دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام اشاره کرده و می‌فرماید:

دوستی ما و دوستی دشمنان مادر وجود یک انسان جمع نمی‌شود، چون خداوند برای انسان دو قلب قرار نداده که با یکی این را دوست بدارد و با دیگری آن را دشمن بدارد. دوستدار ما باید عشق و علاقه‌ی خود را برای ما خالص بگرداند همانطوری که طلا در داخل آتش خالص و تمام عیار می‌گردد. بنابراین هر کسی می‌خواهد بداند که دوست واقعی ما هست یا نه، قلب خود را مورد آزمایش قرار دهد. اگر در دل او همراه محبت ما، محبت

هیچ نگفت و این یکی از بارزترین نشانه‌های مهم شیفتگان اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. امیر مؤمنان علیه‌السلام در سخنی دیگر فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَ عَدُوًّا لِقَوْمِ جَلْبَابٍ؛^{۱۵} هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد پس نباید فقر و محرومیت‌ها را چونان لباس رویین بپذیرد.»

حتی در کلمات مولای متقیان نکاتی دیده می‌شود که آن حضرت عشق به اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه دوستی خودش را برای اکثر مردم غیر قابل تحمل می‌داند و می‌فرماید: «لَوْ أَحَبَّنِي جَبَلٌ لَكُنْهَاقًا؛ اگر کوهی مرا دوست بدارد درهم فرو می‌ریزد.» یعنی محرومیت‌ها و مشکلات و بلاها به سرعت به سراغ او می‌آید و این سرنوشت در انتظار تمام پرهیزکاران و برگزیدگان و یاران حقیقی اهل بیت علیهم‌السلام است.^{۱۶}

۵- برائت از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام

یکی دیگر از نشانه‌های عشق حقیقی، دوری جستن از مخالفین و دشمنان عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. دوستدار حقیقی اهل بیت علیهم‌السلام باید از دشمنان آنان تبری جوید و محبت خویش را برای خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

دشمن ما هم باشد او از ما نیست و ما هم از او نیستیم»^{۱۸}

آثار و برکات دوستی اهل بیت علیهم السلام

آن چنان که از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام استفاده می شود، هر کار نیک و بدی در دنیا و آخرت آثار و نتایجی دارد؛ یعنی کارهای نیک، برکات و درجاتی را به همراه داشته و کارهای بد موجب سقوط انسان و رسیدن به درکاتی در دو عالم می باشد. در ایسن میان دوستی و دشمنی اهل بیت علیهم السلام نیز از محدوده این قاعده کلی بیرون نیست؛ یعنی عشق و دوستی عترت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یک صفت ارزشمند موجب برکات و درجات و منزلت افراد است و در مقابل دشمنی و مخالفت با آنان هلاکت و شقاوت ابدی در پی خواهد داشت. در این قسمت با بهره گیری از سخنان امیر مؤمنان علیه السلام به برخی از آثار و برکات عشق به اهل بیت علیهم السلام می پردازیم:

۱- حشر با اهل بیت علیهم السلام در روز

قیامت

علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا أَحْسَرَهُ

اللَّهُ مَعَهُ»^{۱۹} هر که ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود و اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد.

۲- بالاترین درجات بهشت

آن بزرگوار فرمود: «إِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ يَنْظُرُونَ إِلَى مَنْزِلِ شَيْعَتِنَا كَمَا يَنْظُرُ الْإِنْسَانُ إِلَى الْكَوَاكِبِ»^{۲۰} اهل بهشت به منازل شیعیان ما (در بالاترین درجات آن) نگاه می کنند همانطوری که انسان به ستارگان می نگرد.

۳- وصول به زیباترین نیکی ها

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ حُبُّنَا وَأَسْوَأُ السَّيِّئَاتِ بُغْضُنَا»^{۲۱} زیباترین نیکی ها دوستی و زشت ترین بدی ها مخالفت و دشمنی با ما است.

۴- رسیدن به مقام شهید

حضرت علی علیه السلام فرمود: «وَالْمَيِّتُ مِنْ شَيْعَتِنَا صَدِيقٌ شَهِيدٌ؛ صَدَقَ بِأَمْرِنَا وَ أَحَبَّ فِينَا وَ أَبْغَضَ فِينَا يُرِيدُ بِذَلِكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ»^{۲۲} میت شیعه ما صدیق و شهید است چون که امر ما را تصدیق نموده و به خاطر ما دوستی و دشمنی نموده است و از این کار خود، خدای عز و جل را اراده کرده است.

۵- چشم روشنی در هنگام مرگ

روزی حارث همدانی به حضور علی علیه السلام آمد. امام علیه السلام از علت آمدن او جو یا شد. او گفت: عشق و علاقه به شما مرا به اینجا کشانیده است. حضرت در تأیید سخن او فرمود: «به خدا همین طور است. هیچ انگیزه‌ای جز محبت ما تو را به اینجا نیاورده است.» آن گاه علی علیه السلام به عنوان تشکر از اظهار علاقه این دوست صمیمی خویش، به او فرمود: «بدان که هیچ بنده‌ای از دوستان ما نمی‌میرد مگر اینکه در هنگام مردن، مرا آن طوری که دوست دارد می‌بیند و همچنین از دشمنان و مخالفین ما هم کسی نمی‌میرد تا اینکه در هنگام مرگ، در حالی که دلش نمی‌خواهد، مرا می‌بیند و شرمنده می‌شود.»^{۲۳}

ای که گفتمی فَمَنْ يَمُتْ يَسْرِنِي

جان فدای کلام دل جویت

کاش روزی هزار مرتبه من

مردمی تا بدیدمی رویت

۶- دادرسی در سخت‌ترین لحظات

علی علیه السلام در حدیث دیگر به حارث فرمود: «لَيَنْفَعَنَّكَ حُبُّنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ تَرْوِيلِ مَلِكِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ مَسْأَلَتِكَ فِي قَبْرِكَ وَعِنْدَ مُؤَقِّبِكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ»^{۲۴} ای

حارث! دوستی و محبت ما اهل بیت در سه جای مهم و سرنوشت‌ساز برای تو سود خواهد داد: هنگام نازل شدن فرشته مرگ و موقعی که در قبر مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیری و زمانی که در روز قیامت در مقابل پروردگار ایستاده باشی.»

۷- قبولی کارهای نیک

اگر انسان تمام کارهای خیر و اعمال نیک را انجام داده، واجبات الهی را به جای آورد، اما از اهل بیت و ولایت و محبت آنان دور باشد، هیچ یک از اعمال و نیکی‌های او ثمره‌ای نخواهد داشت.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد، ایمان او مفید بوده و اعمالش مورد پذیرش قرار خواهد گرفت، اما اگر کسی محبت ما اهل بیت را در دل نداشته باشد از ایمان خویش بی‌بهره بوده و کارهای نیک و اعمال دینی او مقبول نخواهد بود، گرچه روزها روزه گرفته و شب‌ها به عبادت بپردازد.»^{۲۵} و در کلام دیگری آن بزرگوار به قبر فرمود: «ای قبر! به خدا قسم کسی که در دل یقین به ولایت ما خانواده داشته باشد

برای او از عبادت هزار سال بهتر است، اگر بنده‌ای هزار سال خدا را عبادت کند خداوند عبادت او را نخواهد پذیرفت تا اینکه ولایت ما اهل بیت را قبول داشته باشد. «آنگاه حضرت با تأکید بر اهمیت موضوع ادامه می‌دهد: «اگر بنده‌ای هزار سال خداوند را عبادت کند و اعمال نیک هفتاد و دو پیامبر را هم به جا آورد، خداوند از او نخواهد پذیرفت تا اینکه ولایت ما را بپذیرد و گرنه خداوند او را به صورت به جهنم خواهد انداخت.»^{۲۶}

آفات محبت

ممکن است انسان در اثر نادانی یا غلبه احساسات و یا پیروی از هوای نفس در عشق ورزیدن به اهل بیت علیهم السلام دچار افراط و تفریط گردد و در نتیجه علاوه بر اینکه از کار خویش هیچ بهره‌ای نمی‌برد، دچار زیان و هلاکت ابدی می‌گردد. مولای متقیان به این آفات بنیان‌برانداز اشاره کرده و در نهج‌البلاغه در مورد افرادی که در دوستی و محبت آن حضرت دچار انحراف می‌گردند می‌فرماید: «سَيَهْلِكُ فَيَ صِنْفَانِ: مُجِبِّ مَفْرَطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مُبْغِضٍ مَفْرَطٍ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى

غَيْرِ الْحَقِّ وَ خَيْرِ النَّاسِ فِي حَالِ الْأَسْمَطِ الْأَوْسَطِ فَأَلْزِمُوهُ؛^{۲۷} دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: کسی که در دوستی من افراط کند و شدت عشق و علاقه او را به انحراف از حق دچار نماید و کسی که در اثر شدت دشمنی با من به سوی باطل رود. بهترین مردم نسبت به من کسانی هستند که راه اعتدال را پیمایند، از آن‌ها جدا نشوید.»

همچنین آن بزرگوار عده‌ای را که در مورد اهل بیت علیهم السلام غلو می‌کردند؛ یعنی در مدح و ستایش و بیان فضائل و مناقب آنان افراط نموده و مقام الوهیت را به آن بزرگواران نسبت می‌دادند بر حذر داشته و مرز ابراز محبت را بیان می‌کند: «إِنَّا كُمْ وَ أَلْعَلُّوْا فِينَا، قُولُوا: إِنَّا عِبِيدٌ مَرْبُوبُونَ وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ؛^{۲۸} از غلو در محبت ما بپرهیزید و اعتقاد داشته باشید که ما مخلوق و پرورده‌ی خداییم و آنگاه از فضایل ما هر چه دوست دارید بگویید.»

البته پدیده افراط‌گرایی در تاریخ اسلام یک عقیده خطرناکی بود و عده‌ای را هم به گمراهی و ضلالت کشانید. این اعتقاد فاسد در مورد شخص امام علی علیه السلام بیشتر بود، برای

الف) تولد از حرام

امام علی علیه السلام در ضمن سخنانی به نوف بکالی فرمود: «كَذِبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وُلِدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يُبَغِّضُنِي وَيُبَغِّضُ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِي»^{۳۰} ای نوف! دروغ می‌گویی کسی که خودش را حلال‌زاده می‌پندارد اما من و پیشوایان بعد از من را که از نسل من هستیم، دشمن خود می‌داند. بنابراین کسی که از حرام متولد شده باشد نمی‌تواند دوستدار حقیقی اهل بیت علیهم السلام باشد، زیرا پلیدی با خوبی و زشتی بازیبایی همگون نیستند و از این جا روشن می‌شود که عشق و علاقه به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از نشانه‌های حلال‌زاده بودن انسان نیز هست، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنا عَلَى قَلْبِهِ، فَلْيَكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأَمَةِ فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَاهُ؛ هر کس در دل خویش لذت دوستی ما اهل بیت علیهم السلام را احساس کند، به مادرش زیاد دعا کند، چرا که به پدرش خیانت نکرده است.»^{۳۱}

ب) صفات رشت و غیر اخلاقی

روزی مردی به علی علیه السلام عرض کرد: خداوند مرا فدای شما گرداند، من به شما خانواده خیلی علاقه دارم و آن حضرت را بسیار ستود، حضرت به او فرمود: «دروغ می‌گویی، ما را چند دسته

همین آن حضرت برای آگاهی بیشتر دوستان خویش با یک مثال، حقیقت مطلب را بیان می‌کند و می‌فرماید: «مثل من در میان این امت همچون عیسی بن مریم علیه السلام است، گروهی او را دوست داشتند و در محبت آن حضرت افراط نمودند و در نتیجه هلاک شدند و عده‌ای هم به وسیله دشمنی با آن حضرت به بیراهه رفته و نابود شدند.»^{۲۹}

موانع محبت اهل بیت علیهم السلام

هر کسی نمی‌تواند دوستدار اهل بیت باشد، باید عشاق آل محمد صلی الله علیه و آله از آلودگی‌ها مبرا باشند و استعداد این هدیه الهی را در وجود خویش داشته باشند، با وجود موانع، مسلماً دوستی اهل بیت علیهم السلام به دل نخواهد چسبید و حلاوت و لذت این عشق مقدس و هدیه آسمانی را درک نخواهد کرد. به قول مولوی:

این محبت از محبت‌ها جداست

عشق محبوب خدا عشق خداست

برایین اساس جایگیر شدن

دوستی اهل بیت علیهم السلام در دل‌های

انسان‌ها، نیاز به زدودن و رفع موانع

دارد. این موانع عبارتند از:

دوست ندارند؛ انسان‌های بی غیرت و ناموس فروش، مردانی که حالات زنانه از خود بروز می دهند، متولدین از حرام و کسانی که مادرشان در ایام عادت به آن‌ها باردار شده است.»

راوی حدیث می گوید: مدتی گذشت تا اینکه جنگ صفین پیش آمد، همان مرد به همراه لشکریان معاویه در جنگ صفین به هلاکت رسید و راستی گفتار امام علی علیه السلام روشن شد.

اصولاً این که مومن نمی تواند بدون عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام زندگی کند و در مقابل، انسان‌های منحرف و گمراه و منافق هم نمی توانند آل الله علیهم السلام را از ته دل دوست داشته باشند، یک حقیقت تردیدناپذیر است و کلام زیبای علی علیه السلام در ذیل روایت اصبع نباته، این حقیقت را واضح تر می نماید. او می گوید: در مسجد کوفه و در محضر امیر مؤمنان علی علیه السلام بودم که غلام سیاهی را به اتهام سرقت به محضر آن حضرت آوردند. بعد از سه بار اقرار وی به دزدی و اثبات آن در نزد علی علیه السلام، امام دستور داد تا دست راست او را قطع کنند. آن غلام با دست چپ، دست بریده خویش را در حالی که خون از آن می ریخت، برداشته و از

محضر امام بیرون رفت. در این موقع یکی از خوارج و دشمنان حضرت به نام «ابن کوا» خواست از فرصت استفاده کند و آن غلام را که از دوستداران اهل بیت علیهم السلام بود به بدگویی بر علیه امام علی علیه السلام تحریک نماید، لذا به او گفت: «ای غلام دست تو را چه کسی قطع کرد؟!»

او در جواب ابن کوا چنین گفت:

«قَطَعَ يَمِينِي إِسْمَاعِيلُ التَّمِيمِيُّ، وَابْنُ عَمِّ الْمُضْطَفِيِّ شَقِيقُ النَّبِيِّ الْمُجْتَبِيِّ، كَيْتُ الثَّرَيِّ، غَيْثُ الثُّورِيِّ، حَتَفُ الْعِدِيِّ وَ مِفْتَاحُ النَّدِيِّ وَ مِضْبَاحُ الدَّجِيِّ. قَطَعَ يَمِينِي إِمَامٌ بَدْرِيٌّ أَحَدِيٌّ مَكِّيٌّ مَدَنِيٌّ أَنْطَاحِيٌّ هَاشِمِيٌّ قُرَشِيٌّ؛ دست راستم را کسی برید که پیشوای متقیان و پسر عمو، برادر پیامبر صلی الله علیه و آله، شیر روی زمین، باران بیابان‌ها، کوبنده دشمنان و چراغ فروزان در تاریکی هاست. دست راستم را پیشوایی قطع کرد که قهرمان نبردهای بدر و احد بود. او سرور مکه و مدینه و ابطح است و از دودمان هاشم و قریش است.»

بعد از این مدح و ثنای زیبا، بلیغ و طولانی، راه خودش را گرفت و رفت. ابن کوا با شگفتی تمام خود را به محضر علی علیه السلام رسانده و گفت: یا اباالحسنین! تو دست آن غلام سیاه را

پی‌نوشت‌ها:

۱. امالی مفید، ص ۳۵۳.
۲. شوری / ۲۳.
۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۵.
۴. عشق برتر، ص ۱۴ و ۱۵.
۵. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۷.
۶. الکافی، ج ۶، ص ۳۸۹.
۷. همان، ص ۳۸۸.
۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۲.
۹. همان، ج ۲۷، ص ۵۳.
۱۰. مستطرفات السرائر، ص ۶۳۹.
۱۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.
۱۲. تفسیر فوات کوفی، ص ۱۲۸.
۱۳. خصال، ج ۲، ص ۶۲۸.
۱۴. غررالحکم با ترجمه آقا جمال، ش ۹۰۳۸.
۱۵. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۱۲.
۱۶. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۲۷۵.
۱۷. مستطرفات السرائر، ص ۶۴۰.
۱۸. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.
۱۹. امالی صدوق، ص ۲۰۹، مجلس ۳۷.
۲۰. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۴۸.
۲۱. غررالحکم با ترجمه آقا جمال، ج ۲، ص ۴۸۰.
۲۲. تاویل الآیات الظاهرة، ص ۶۴۲.
۲۳. اعلام الدین دیلمی، ص ۴۴۸.
۲۴. همان، ص ۴۶۱.
۲۵. بصائر الدرجات، ص ۳۶۴.
۲۶. مستدرک، ج ۱، ص ۱۶۸.
۲۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.
۲۸. غررالحکم، ش ۲۷۴۰، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۲.
۲۹. بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۳۱۵.
۳۰. امالی صدوق، ص ۲۰۹.
۳۱. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۷.
۳۲. همان، ج ۳۴، ص ۲۶۷؛ التحصین ابن طاووس، ص ۶۱۳.

قطع کردی و او در کوچه و بازار با زیباترین عبارات و بهترین کلمات تو را مدح و ثنا می‌گوید. امام دستور داد غلام را حاضر کنند. سپس از او پرسید: «ای غلام! من دست تو را بریدم و تو مرا مدح و ثنا می‌گویی؟!» او پاسخ داد: «یا امیر المؤمنین! تو دست مرا به حکم خداوند و رسول او بریدی و به حق بریده‌ای و به واجب خدا و رسول عمل کرده‌ای! چگونه تو را نستایم؟»

امیر مؤمنان علیه السلام دست بریده او را گرفته و با عبای خود پوشانید و دو رکعت نماز خوانده و دعا کرد و بعد آن را بر جای خود قرار داد. آنگاه عبا را برداشت، دست غلام را به اذن الهی سالم یافتند.

آنگاه به عبدالله بن کوا روی کرده و فرمود: «يَا ابْنَ الْكُؤَا، إِنَّ لَنَا مَحْبِبِينَ لَوْ قَطَعْنَا الْوَأَجِدَ مِنْهُمْ إِرْبًا إِرْبًا مَا أَزْدَادُوا إِلَّا حُبًّا وَ لَنَا مُبْغِضِينَ لَوْ أَلْعَقْنَاهُمْ الْعَسَلُ مَا أَزْدَادُوا إِلَّا بَغْضًا؛^{۳۲}

ای ابن کوا! ما دوستانی داریم که اگر ایشان را قطعه قطعه کنیم جز بر دوستی و محبت آنان نسبت به ما نیفزاید و دشمنانی داریم که اگر غسل خالص در گلوی آنها بریزیم جز بر دشمنی نسبت به ما نخواهد افزود.»